

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران
۲. عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ادیان، مذاهب و فرقه‌ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی زارعی

تاریخ: ۱۳۹۸/۱/۱

نظر جناب علامه منصور هاشمی خراسانی درباره‌ی ستاره‌ی داوود چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۸/۱/۵

چیزی که به ستاره‌ی داوود شهرت یافته و به نماد یهودیت، صهیونیسم و برخی فرقه‌های انحرافی تبدیل شده، شکلی مرکب از دو مثلث متساوی الأضلاع یکی رو به بالا و دیگری رو به پایین است که بر روی هم قرار گرفته‌اند و یک ستاره‌ی شش گوشه را پدید آورده‌اند. این شکل هندسی، هیچ ربطی به داوود علیه السلام ندارد؛ چراکه نه در منابع یهودی، نه در منابع مسیحی و نه در منابع اسلامی، از آن برای داوود علیه السلام یاد نشده است و با این وصف، نسبت دادن آن به داوود علیه السلام جنبه‌ی اساطیری دارد. آری، در زیور از سپر داوود علیه السلام یاد شده است، ولی مراد از آن سپری مادی نیست تا شکل خاصی داشته باشد، بل خداوند است که مانند سپری پاسدار مؤمنان است؛ چنانکه آمده است: «اما تو ای خداوند، سپر هستی به دوزم، جلال من و سر فرزنده‌ی من»^۱ و آمده است: «سپر من خداست که راست دلان را نجات‌دهنده است»^۲ و آمده است: «خداوند صخره‌ی من است، دژ من و رهاننده‌ی من؛ خدایم صخره‌ی من است که در او پناه می‌جویم؛ او سپر من است، شاخ نجات و قلعه‌ی بلندم»^۳ و آمده است: «خداوند نیرو و سپر من است؛ دلم بر او توکل دارد و مدد یافته‌ام»^۴. به علاوه، در قرآن آمده که خداوند داوود علیه السلام را به ساختن زره‌ها امر کرده و فرموده است: «أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرَ فِي السَّرْدِ»^۵؛ «زره‌هایی بلند بساز و در بافتن اندازه نگاه دار»،

۱. مزمور، ۳:۳

۲. مزمور، ۷:۱۰

۳. مزمور، ۱۸:۲

۴. مزمور، ۲۸:۷

۵. سبأ/ ۱۱

ولی روشن است که شکل خاصی برای آن‌ها جز بلند بودنشان تعیین نکرده و با این وصف، ربط دادن آن‌ها به شکل هندسی مذکور، بی‌اساس است؛ همچنانکه نسبت دادن آن به سلیمان علیه السلام تحت عنوان مُهر یا خاتم سلیمان دلیلی ندارد و مدّت‌ها پس از او توسط برخی یهودیان انجام شده است. از نخستین کاربردهای این نماد، در متون ابتدایی کابالا و برای جادو بوده است. جادوگران یهودی از این نماد، به عنوان طلسمی برای ارتباط با شیاطین استفاده می‌کردند؛ چنانکه نمونه‌های آن در سفر رازیل هاملخ (یک کتاب سحر یهودی کابالایی در قرون وسطی) قابل مشاهده است. با این وصف، بعید نیست که نسبت دادن آن به سلیمان علیه السلام توسط آنان از این تصوّر برخاسته باشد که او جادوگر بوده و با طلسم انگشتر خود، شیاطین را تسخیر می‌کرده است؛ تصوّری که خداوند آن را رد کرده و فرموده است: ﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۗ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ﴾؛ «و از چیزی پیروی کردند که شیاطین در پادشاهی سلیمان می‌خواندند، در حالی که سلیمان کافر نشد، بلکه شیاطین کافر شدند، به مردم جادو می‌آموختند». با این حال، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد **رمالان و دعانویسان** مسلمان در قرن دوم هجری از شکلی هندسی تحت عنوان مُهر یا خاتم سلیمان استفاده می‌کردند که قاعدتاً از یهودیان اقتباس شده بود؛ چنانکه از مالک بن انس (د. ۱۷۹ق) نقل شده است که از آن کراهت داشت و می‌گفت: «لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مِنْ أَمْرِ النَّاسِ الْقَدِيمِ»^۲؛ «آن از کارهای قدیم مردم نبوده»؛ به این معنا که ریشه‌ی اسلامی نداشته و تازه پیدا شده است. البته در روایات اسلامی، از وجود انگشتری برای سلیمان علیه السلام یاد شده که **دابة الأرض** و پیش از او مهدی علیه السلام با آن ظهور می‌کند، ولی در هیچ کدام از شکل آن سخنی به میان نیامده است^۳. از این رو، میان مسلمانان درباره‌ی شکل آن اتفاق نظری وجود نداشته است؛ چنانکه برخی آن را شکلی هشت گوشه می‌دانستند، نه شش گوشه^۴.

به هر حال، این ستاره‌ی شش گوشه، در اولین کنگره‌ی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ میلادی به عنوان نماد صهیونیسم برگزیده شد و در سال ۱۹۴۸ میلادی، بر روی پرچم اسرائیل که پرچم صهیون نامیده می‌شود، قرار گرفت. با این اوصاف، واضح است که استفاده از آن -خصوصاً در حال حاضر- برای مسلمانان جایز نیست؛ چراکه آشکارا تشبّه به کافران محسوب می‌شود، در حالی که خداوند از تشبّه به کافران نهی کرده و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا﴾^۵؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! شبیه کسانی که کافر شدند نباشید» و تشبّه به آنان را ناروا دانسته

۱. البقرة / ۱۰۲

۲. الإستذکار لابن عبد البر، ج ۸، ص ۴۱۲

۳. نگاه کنید به: مسند أبي داود الطيالسي، ص ۳۳۴؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۹۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۱؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۲۱؛ الغيبة للنعماني، ص ۲۴۴؛ کمال الدين وتمام النعمة لابن بابويه، ص ۳۷۶.

۴. نگاه کنید به: مناقب آل أبي طالب لابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۴۴۴.

۵. آل عمران / ۱۵۶

و فرموده است: **«إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ»**^۱؛ «شما آن هنگام شبیه آنان خواهید بود» و کسانی را به سبب تشبیه به آنان نکوهش کرده و فرموده است: **«يُصَاهِتُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»**^۲؛ «شبیه سخن کسانی را می‌گویند که پیشتر کافر شدند! خداوند آنان را بکشد! چگونه انحراف می‌یابند؟!»



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورها شیخ حرسانانی
 مجتبیٰ با حکم کربلای معلی و منبرها



۱ . النساء / ۱۴۰
 ۲ . التوبة / ۳۰